**اسماعیل خلج**

**زنده‌یاد اکبر رادی، در ارتباط با اسماعیل خلج گفته است که خلج مصداق زنده‌ای است از مثلث نویسنده، کارگردان، بازیگر که بهترین نمایشنامه‌های معاصر ما را با استتیک خالص ایرانی نوشته، بازی و اجرا کرده است. خلج در نمایشـــنامه‌هایش به زبانی بدیع و به اصطلاحی قهوه‌خانه‌ای یا ته شهری دست یافته است. شکلی نو از زبان که امروز شاخص‌ترین ویژگی آثار اوست.**

گفتگو با بازیگران خارجی نمایش «لندن، رم، تهران، آمستردام»
به کارگردانی آروند دشت‌آرای

# اشتراکات فرهنگی روی صحنه

احمدمحمد اسماعیلی

**نمایش «لندن، رم، تهران، آمستردام» نمایش جهان‌شمولی است که به دغدغه، آرزو و تفکرات آدم‌های مختلف از غرب و شرق عالم می‌پردازد. ساختار مستند نمایش تأکیدی بر ویژگی‌های رئالیستی اثر دارد. به همین مناسبت و تأکید بر وجوهات بین‌المللی نمایش با مارین ون هولم، مارتا پاگلی، ایمی استرانگ و میثم میرزایی بازیگران خارجی و ایرانی نمایش گفتگویی متفاوت انجام داده‌ایم. بازیگرانی که پیش از این هم در نمایش «پلنگ صورتی» به کارگردانی دشت‌آرای حضور داشتند.**

**به نظر شـــما که این روزها در یک نمایش ایرانی بازی می‌کنید که داعیه جهان‌شمول بودن و بین‌المللی بودن دارد، یک نمایش باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد که بتوان به آن لفظ بین‌المللی اطلاق کرد؟**

ایمی اســـترانگ: اولین عامل بین‌المللی بودن یک نمایش حضور عوامل نمایش از کشـــورهای مختلف اســـت. دیگر این‌که تبادل فرهنگی بین ملت‌ها می‌بایست در بستر نمایش وجود داشته باشد.

میثم میرزایی: از دو منظر می‌توان به این قضیه نگاه کرد. حضور تهیه‌کننده یا کارگردانی که غیر ایرانی باشد، یک بعد بین‌المللی شدن یک نمایش محســـوب می‌شـــود. مضمون نمایش هم باید بین‌المللی باشـــد. نمایش ما هم تمام این مسائل را درون خودش دارد. تهیه‌کنندگی کار مشترک بین ایران و چند کمپانی اروپایی است و مضمون نمایش هم کاملاً جهان‌شمول و بین‌المللی است.

مارتا پاگلی: من هم فکر می‌کنم یک نمایش بین‌المللی باید همین وجوهی که بچه‌ها به آن اشاره کردند را داشته باشد.

مارین ون هولم: به نظر مـــن اگر گروه ما بیایـــد در ایران نمایش انگلیســـی یا ایرلندی اجرا کند، فقط این مســـئله کار گروه ما را بین‌المللی نمی‌کند. حضور آدم‌ها از ملل مختلف در پشت و جلوی صحنه است که به نمایش وجوهات بین‌المللی می‌دهد.

**آیا بازی در یک نمایش با وجوهات بین‌المللی تفاوت‌هایی با یک نمایش درون مرزی دارد؟**

ایمی اســـترانگ: در بازی بازیگر تأثیری ندارد. آن چیزی که روی بازی اثرگذار اســـت محتوای نمایش، کارگردانی و تکنیک‌های بازیگری است. نمایش ما هم این سه موتیف را دارد. اگر بخواهیم مسائل اثرگذار در بازیگری این نمایش را مشخص کنیم باید اشاره کنم که ما بازیگران خودمان را بـــازی می‌کنیم. این‌که خودمان را بازی می‌کنیم، شاید نکته متفاوتی در بازی باشد.

مارتا پاگلی: با ایمی موافقم. ماها انســـانیم. بدن، بیان، احساسات و افکاری داریم که تلاش می‌کنیم در بازیمان آن را نشان بدهیم. در این نمایش تنها بازیگری هســـتم که به جز زبان مادری‌ام تکلم می‌کنم و بالاخره تأثیراتی دارد کـــه نمی‌دانم این تأثیرات چگونه است. معتقدم لغت‌ها بدنه و جسم دارند. احساس می‌کنم موقعی که انگلیسی صحبت می‌کنم تغییری در بازی‌ام انجام می‌شود.

میثم میرزایی: پاسخ به این سؤال کمی دشـــوار است. زیرا به جز این نمایـــش کار بین‌المللی دیگری نداشـــته‌ام. به لحاظ تکنیک بازیگری تفاوت چندانی وجود ندارد و اغلب بازیگران در همه جای دنیا از متدهای خاص بازیگری استفاده می‌کنند. در این اجرا چون خودمان هستیم کار متفاوت است. همین الان که مصاحبه می‌کنیم مارتا با استیل خاص ایتالیایی‌ها حرف می‌زند و ایمی هم به سبک خاص خودش و در هر حال باید در بازیمان هماهنگی داشته باشیم.

**آیا قبل از حضور در این پـــروژه از وضعیت تئاتر ایران و حضور بزرگانی مثل پیتر بروک که در دهه هفتاد میلادی نمایشی در ایران اجرا کرد، آگاه بودند؟**

ایمی استرانگ: نه، اطلاعی نداشتم. در دوران تحصیل درباره هنرهای نمایشـــی که در چین و هند اجرا می‌شـــد اطلاعاتی داشـــتیم و به لحـــاظ خبـــری در انگلیس اطـــلاع چندانی از فعالیت‌های هنری در ایران وجود ندارد.

مارتا پاگلی: من هم اطلاعی درباره این موضوع نداشـــتم. اما در تئاتر قضیه فرق می‌کند و باید تئاتر کشور مربوطه را ببینی تا متوجه ارزش‌های آن بشوید. مثل سینما نیست که بروید نسخه دی‌وی‌دی یک فیلم را تهیه کنید و ببینید. به همین دلیل است که در تئاتر وجه بین‌المللی بودنش خیلی اهمیت دارد.

**تئاتر انگلستان پیشینه غنی و چند قرنی دارد و مظهر تئاتر کلاسیک است. آیا در دوران معاصر جوان‌ها فقط تئاتر کلاسیک کار می‌کنند یا سایر سبک‌ها را هم مورد توجه قرار می‌دهند؟**

ایمی استرانگ: در لندن هم تئاتری مدرنی مثل تئاتر فرم فیزیکال بازی کرده‌ام و تئاترهایی به نام ریفرزند داریم که حالت ورک‌شاپی دارد، اما من و مارین تئاتر شناور کار می‌کنیم. تئاتری که مخاطب در صحنه همراه بازیگر است و در دوران مدرسه تئاتری، تئاترهایی با متن‌هایی از شکســـپیر و ایبســـن را کار کرده‌ایم. الان تئاترهای کلاسیک بیشتر در شهرهای کوچک است و در شهری مثل لندن نمایش‌های کلاسیک به روز شده اجرا می‌شوند.

**مارین ون هولم: ایده اصلی شکل‌گیری این نمایش توسط من و آروند شکل گرفت و به تدریج ایده را گسترش دادیم و مدیریت پروژه را در هلند پیگیری کردم و من نماینده کمپانی استد هستم. بنابراین این آشنایی منجر به این شد که من در «ردپای صورتی» بازی کنم**

**خانم مارین ون هولم تابستان امسال در نمایش «ردپای صورتی» با آروند دشـــت‌آرای تجربه همکاری داشته‌اید. به چه دلیل دومین همکاریتان را با آروند دشت‌آرای در نمایش «لندن، رم، تهران، آمستردام» ادامه دادید؟**

مارین ون هولم: ایده اصلی شکل‌گیری این نمایش توسط من و آروند شکل گرفت و به تدریج ایده را گسترش دادیم و مدیریت پروژه را در هلند پیگیری کردم. من نماینده کمپانی استد هستم. بنابراین این آشنایی منجر به این شد که من در «ردپای صورتی» بازی کنم و در سفرم به ایران برای فراهم کردن مقدمات اجرای نمایش به این نتیجه رسیدیم که می‌توانم در نمایش «ردپای صورتی» هم بازی کنم.

**در نمایش «ردپای صورتـــی» در قالب یک نقش فانتزی بازی کردید و در نمایش «لندن...» در نقشـــی رئالیستی و واقع‌گرایانه، آن تفاوت نقش‌ها چقدر برایتان جذابیت داشت؟**

مارین ون هولم: در این دو پروژه بـــا دو کمپانی متفاوت کار کردم و نمایش «ردپای صورتی» نمایش بســـیار متفاوتـــی با نمایش «لندن...» اســـت. زیرا در نمایـــش «لنـــدن...» از هیچی به این اجرا رسیدیم و هدف دو نمایش هم بســـیار متفاوت بود. نمایش «لندن...» بیشتر یک مطالعه فرهنگی است و صرفاً تئاتر نیست.

**همه ما ایرانی‌ها موقعی که با آدم‌های خارجی به خصوص از نوع اروپایی‌اش برمی‌خوریم فکر می‌کنیم با موقعیت خاص و عجیب و غریبی روبه‌رو شده‌ایم. برای شما هم بازی شدن با سه بازیگر خارجی چه ویژگی‌هایی داشت؟**

میثم میرزایی: تجربه جذابی است و تلاش کردم حداقل بهره لازم را از آن ببرم. بازیگران ایرانی هم کارشان خوب است و در همه جا بازیگر خوب و بد داریم. بازیگران خارجی نمایش به لحاظ انگیزه و این‌که هر شـــب بیایند کار متفاوتی انجام بدهند، هیچ‌وقت به تکرار بازی‌های شب گذشته خود، راضی نیستند. البته این اجرای متفاوت هر شب با حفظ ساختار کلی نمایش انجام می‌شود و همه انرژی خوبی سر صحنه و حین بازی دارند. در این میان یک‌سری تفاوت‌های فرهنگی هم وجـــود دارد و من در ابتـــدا هیچ تجربه بین‌المللی نداشتم و فقط یک‌سری تصاویر درباره بازیگران خارجی نمایش در اختیار داشتم و فکر می‌کردم که بازیگرانی هستند که به واسطه شغلشان تأمین مالی هستند و زندگی خوبی دارند، اما در عمل و صحبت کردن با آن‌ها متوجه شدم که از آن‌ها هم حمایت چندانی انجام نمی‌شود و وجوه اشتراک زیادی داشتیم.

**مارتا! خیلی از مردم ایران معتقد هستند که با مردم کشور ایتالیا اشتراکات زیادی دارند و چهره‌های ورزشی و تیم‌های فوتبالی ایتالیایی در ایران محبوبیـــت زیادی دارند. آیا این اشتراکات فرهنگی را قبول دارید؟**

مارتا پاگلی: اولین چیزی که در مـــورد ایرانی‌ها برایم جذاب بود میهمان‌نوازیشان اســـت. در ایتالیا این میهمان‌نوازی وجود دارد و خانواده خود من هم موقعی کـــه میهمان داریم تلاش می‌کنند میهمان در آرامش و راحتی باشد. نکته مهم دیگر احساساتی بودن ایرانی‌هاست که مثل ما خیلی راحت احساساتشان را بروز می‌دهند.

**مارتا پاگلی: با همفکری آروند این مسئله را در نمایش مورد استفاده قرار دادیم و چون خواننده حرفه‌ای هستم آواز خواندن به فارسی برایم کار چندان دشواری نبود و تلاش کردم تلفظ کلمات فارسی را یاد بگیرم. البته مسئله این است که خودمان را در صحنه بازی کردیم**

**چقدر شـــخصیت‌هایی که در نمایش بـــازی کردید به خودتان شبیه اســـت و چه میزان ویژگی‌های دیگری به این شخصیت‌ها افزوده شد؟**

ایمی استرانگ: بخشـــی از این نمایش را بر اســـاس اتودهایی که در مورد نقش‌هایمان انجام داده بودیم نوشـــته شد و آروند هم به عنوان کارگردان مسائلی را مطرح کرد و با تلفیق این دو وضعیت، متن و شـــخصیت‌پردازی نمایش تکمیل و نوشـــته شد. بنابراین من بخش‌هایی از شـــخصیت خودم را در صحنه ارائه می‌کنم. اگر دایره‌ای را در نظر بگیریم که پر از کبریت است، شاید بخش‌هایی از این کبریت‌ها را انتخاب می‌کنم. البته جایی که من در نمایش عصبانی می‌شوم، در حقیقت وجوه عصبانی بودنم را نشان می‌دهم.

میثم میرزایی: در مورد من بیشتر از هشتاد درصد از این شخصیت خودم هســـتم و الباقی از طریق آروند می‌آید و سکان مغزم را در اختیار می‌گیرد و مـــن را هدایت می‌کند. بنابرایـــن در نمایش، بیشتر از سایر بازیگران در مورد خودم اطلاعات ریز و دقیق ارائه می‌کنم. البته این رویه به این دلیل اســـت کـــه آروند من را خوب می‌شناسد و سه سال است که تجربه مشـــترک کاری با یکدیگر داریم.

مارتا پاگلـــی: در این نمایش ما خودمان را نشـــان می‌دهیم و کلاً نمایش بر اساس ایده‌های ما بازیگران نوشته شده است.

**آیا آواز خواندن مارتا به فارسی ایده خودشان بود؟**

مارتا پاگلی: با همفکری آروند این مسئله را در نمایش مورد استفاده قرار دادیم و چون خواننده حرفه‌ای هستم، آواز خواندن به فارسی برایم کار چندان دشواری نبود و تلاش کردم تلفظ کلمات فارسی را یاد بگیرم. البته مسئله این است که خودمان را در صحنه بازی کردیم، اما یک نوع خالص‌تری از خودمان بودیم. در همین صحنه آواز خواندن که اشـــاره کردید یا صحنه نه نه گفتن شـــاید این‌ها بخشی از وجودم بود که من قبلاً به آن رجوعی نکرده بودم.

مارین ون هولم: من هم با حرف‌های بچه‌ها موافقم. البته همیشه در زندگی عادی این‌طوری حرف نمی‌زنم و بسته به اقتضای جو سالن و حضور تماشاگران مقداری ادویه‌جات نمایشی به شخصیتم برای پردازش کامل اضافه کردم. در صحنـــه که با ملودی آرام نیا حرف می‌زدم خود واقعیم بود. در کل می‌توانیم بگوییم در این نمایش با مارینی روبه‌رو هستیم که پروفروم می‌کند.

**در چند جای نمایش بحث به رخ کشـــیدن توانایی میان بازیگران ایرانی و خارجی مطرح می‌شود. آیا در واقعیت هم چنین حسی وجود داشت؟**

ایمی استرانگ: بیشتر یک شوخی است که ماه‌ها با مارتا در بحث خواندن رقابت داشـــتیم. البته در همه جای دنیا این رقابت‌ها در عرصه‌های دیگری مثل ورزش بیشتر وجود دارد.

مارتا پاگلی: اگر این رقابت به این منزله باشد که خودی نشان بدهد، کار را باخته‌ایم و یک‌دستی کار از بین می‌رود.

مارین ون هولم: آروند جوری عمل می‌کرد تا توانایی‌های ما را جهت بهتر شدن کیفیت نمایش مورد بهره‌برداری قرار دهد. قرار نبود توانایی همه در آواز خواندن در یک سطح باشد. آروند نقاط قوت هر بازیگر را شناسایی کرد و در شخصیت‌پردازی ما روی آن متمرکز شد.

میثم میرزایی: من هم با بچه‌ها موافقم.

**تا آن‌جایی که اطـــلاع دارم قرار اســـت این نمایش در کشورهای بازیگران خارجی نمایش اجرا شود. چه ارزیابی از نحوه استقبال مخاطبان در آن کشورها از نمایش دارید؟**

ایمی استرانگ: در جایی مثل لندن اگر من نوعی بخواهم تئاتر ببینم چون توقعم از تئاتر ایرانی بالاست، با توقّع کار درجه یک خودم را وارد سالن می‌کنم. از آن‌جایی که در تئاتر رویال لندن نمایش‌های بزرگ و باشکوهی روی صحنه می‌رود و رقابت سنگین است و چون ذات ما ورک‌شاپی اســـت، نمی‌توان انتظار داشت که از نمایش ما استقبال بزرگی انجام شود و ممکن است چالش و بحث‌های زیادی در مورد نمایش انجام شود.

میثم میرزایی: دو روز قبل با یکی از بچه‌ها صحبت می‌کردم و روی این نکته تأکید شد که حرفی که در نمایش مطرح می‌کنیم چند سال قبل در اروپا مطرح شده اســـت و من تصور کردم که مسئله گفته شده یک طرف ماجراست و حالا چقدر طرحش ضرورت دارد مسئله دیگری است. حرف طرح شـــده اثرگذار است و باید هنوز درباره سوءتفاهمات فرهنگی کار اجرا شود.

مارتا پاگلی: در کشور ما رسم نیست فیلم یا نمایش را به زبان اصلی ببینیم و این مسئله یک مشـــکل برای ارتباط مخاطب ایتالیایی با نمایش اســـت. در ایتالیا همه نوع نمایش در سبک‌های مختلف دیده‌ام. حتی کارهای تجربی که شخص در صحنه به خودش هم آسیب می‌رساند. بنابراین می‌توان این نمایش را اجرا کرد و دید که مخاطب چه واکنشی دارد و باید با مخاطب صادق باشیم.

مارین ون هولـــم: چون ماهیت نمایش تجربه‌گراســـت و در هلند تئاترهای تجربه‌گرایی زیادی اجرا می‌شود. می‌توان پیش‌بینی کرد که نمایش مخاطبش را پیدا می‌کند. البته نمایش ساختار ساده‌ای دارد و به لحاظ اجرایی مخاطب با فرم جدیدی مواجه می‌شود. در هلند هم هر نوع نمایش با ساختار متفاوت، مخاطب خودش را دارد. در اغلب کشورهای اروپایی، مردم ذائقه متفاوتی دارند.

**مارین ون هولم: ایده اصلی شکل‌گیری این نمایش توسط من و آروند شکل گرفت و به تدریج ایده را گسترش دادیم و مدیریت پروژه را در هلند پیگیری کردم و من نماینده کمپانی استد هستم. بنابراین این آشنایی منجر به این شد که من در «ردپای صورتی» بازی کنم**

از راست به چپ: مارتا پاگلی، میثم میرزایی، مارین ون هولم و ایمی استرانگ

عکس: محمد اکبری

خبر

## نمایشی درباره حملات انتحاری قربانی حمله انتحاری شد

در حالی که نمایش «تپش قلب؛ سکوت پس از انفجار» در کابل روی صحنه بود، یک نوجوان با بســـتن مواد منفجره به خود، صحنه انفجار در این نمایش را به صحنه‌ای واقعی تبدیل کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی، دو روز پیش یکی از بازیگران تئاتر افغانستان پیامی فرستاد و گفت که ساعت چهار عصر پنجشنبه، نمایشی در مرکز فرهنگی فرانسه خواهند داشت. نام این نمایش «تپش قلب؛ ســـکوت پس از انفجار» بود. هنرمندان هفت ماه تمرین کرده بودند که صحنه‌ای از یک رویداد انفجاری-انتحاری و لحظات بعد آن را به نمایش بگذارند. این برنامه روز گذشته برگزار شد و صحنه‌ای که قرار بود تمثیل شود، در واقعیت هم اتفاق افتاد و بازیگران و تماشاچیان را غافلگیر کرد. ادریس فخری از گروه تئاتر «زدر» نقش کسی را بازی می‌کرد که پس از یک رویداد انتحاری کشته شده و روحش از جیغ و فریاد پس از انفجار، زجر می‌کشد. ادریس می‌گوید: نمایش به نقطه اوج خود که در آن اجساد روی زمین، پس از انتحاری زجر می‌کشند و ناله می‌کنند، رسیده بود. در حین بازی، صدای انفجاری قوی به گوش می‌رسد که هم بازیگران و هم تماشاچیان را غافلگیر می‌کند. اما این صدا، صداگذاری یا جلوه ویژه نبود بلکه کار نوجوانی بود که در لباس یک دانش‌آموز خود را در میان تماشاچیان جازده و کمربند انتحاری‌اش را در تالار منفجر کرده بود. تالاری که این نمایش برپا شده بود، گنجایش بیش از ششصد تماشاگر را دارد. برگزارکنندگان این تئاتر می‌گویند که تالار پر شده بود. تعدادی از خبرنگاران و تصویربرداران نیز مشغول تصویربرداری اجرای زنده تئاتر بودند و بسیاری از تماشاچیان هم با گوشی‌های همراه خود از صحنه فیلم و عکس می‌گرفتند.

پیشنهد

## نشست‌های نقالی با حضور کیانیان و نادری

سومین دور از سلسله نشست‌های تخصصی نقالی با نام «هنر روایتگری» با حضور چهره‌های شناخته شده تئاتر، نظیر رضا کیانیان، قطب‌الدین صادقی، علیرضا نادری، داود فتحعلی‌بیگی، محمدحسین ناصربخت و علی‌اصغر دشتی از ۲۳ تا ۲۸ آذر در سالن کنفرانس تئاتر شهر برگزار می‌شود. در دوره‌های تخصصی از نشست‌های تخصصی «نقالی هنری کاربردی» که توسط گروه نمایش «ایست» و حمایت کانون نمایش‌های آیینی سنتی اداره کل هنرهای نمایشی، مجموعه تئاتر شهر و انجمن هنرهای نمایشـــی برگزار می‌شود، هنرمندان و مدرسان عرصه تئاتر پیرامون موضوع نقالی سخنرانی می‌کنند. طبق برنامه‌ریزی انجام شده قرار است از ۲۳ تا ۲۵ آذر ساعت ۱۴ تا ۱۶:۳۰ اولین بخش از این سلسله نشست‌ها که به سخنرانی رضا کیانیان درباره بازیگری و داود فتحعلی‌بیگی و محمدحسین ناصربخت در خصوص نقالی اختصاص دارد، برگزار شود. قسمت دوم نشست‌های «هنر روایتگری» نیز از ۲۶ تا ۲۸ آذر از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر و با سخنرانی علی‌اصغر دشتی، قطب‌الدین صادقی و علیرضا نادری برگزار می‌شود. به گفته شروین عباسی از اعضای انجمن موسیقی خانه تئاتر و از دست‌اندرکاران سلسله نشست‌های تخصصی نقالی، این نشست‌ها با هدف گردآوری مرجعی کامل و قابل استناد درباره هنر نقالی برگزار می‌شوند تا در سال ۹۴ و همزمان با هفته بزرگداشت روز جهانی تئاتر، این مرجع گردآوری شده، به صورت مکتوب به سازمان جهانی یونسکو ارائه شود.

عکس‌نوشت

**نمایشی درباره مرگ**

نمایش خرس آرکانسا در کانون تئاتر کودک پارک لاله روی صحنه است. نمایشی که با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شده، اما مانند اکثر کارهای کودک و نوجوان ما از عدم مرزبندی مشخص برای گروه سنی رنج می‌برد. نمایشی که درصدد تبیین مسئله مرگ است و از متنی خارجی برای گروه سنی نوجوانان برگردان شده است، این روزها برای کودکان روی صحنه می‌رود.